

خواندن؛ البته نه در دانشگاه بلکه در مؤسسات دیگری مثل انجمن سینمای جوان، حوزه هنری، مؤسسه شهید آوینی، مؤسسه طلوع و... بسیاری از این دوره‌های کارگردانی و مستندسازی را گذراندم و فیلم دوره‌های خارجی را نگاه کردم.

← **خب چرا موضوعات تان را بیشتر از سوژه‌های نظامی و آن هم ارتش انتخاب کردید؟**

یک دلیلش این بود که پدرم نظامی بود و من از وقتی که خودم را شناختم، از همان ۳-۴ سالگی که پدر می‌رفت جبهه، با نظامی‌گری آشنا بودم و در خانه ما همیشه افراد نظامی رفت‌وآمد داشته‌اند. فقط همین هم نبود و من از همان کودکی، علاقه خاصی به حوزه نظامی داشتم؛ با اینکه خانم بودم بسیار لذت می‌بردم. ما خانم‌ها مثل کشورهای دیگر نمی‌توانیم وارد حوزه نظامی‌گری بشویم. نمی‌توانیم خلبان جنگنده یا تکاور بشویم و من این حس را در کنار آن علاقه و عشقی که به سینما داشتم، ترکیب کردم و وارد مستندسازی حوزه نیروهای مسلح شدم. اینکه چرا رفتم سراغ بچه‌های ارتش، خب من مستندساز دوست دارم، موضوعاتی کار کنم که بکر باشند، دیدم ارتش عملیات‌ها و مأموریت‌هایی را در زمان جنگ و بعد از جنگ انجام داده که هیچ جاگفته نشده است؛ آنقدر بکر است که حد ندارد! گفتم خب حالا یکی ۲ بار می‌روم سراغ‌شان. رفتن سراغ بچه‌های ارتش همان و ماندن همان! واقعاً هم با احترام و ادب با آدم همکاری می‌کنند، چون

دوست دارند این سوژه‌ها ساخته بشود. درست است که تمام موضوعات من ارتش است ولی ارتش هیچ وقت اسپانسر کارهای من نبوده است؛ من خودم می‌رفتم سراغ مؤسسات مختلف هنری، طرح و نمونه کارم را می‌بردم و آنها اسپانسر می‌شدند و فقط ما با ارتش هماهنگی‌ها را انجام می‌دادیم؛ مثلاً برای ورود به پادگان یا برای اینکه بتوانیم با افراد مختلف مصاحبه کنیم.

← **شما تقریباً حدود ۳۱ سالتان بود که وارد این عرصه شدید، نگاه خانواده و مردم چه بود؟ اینکه در آن سن رفتید سراغ مستندسازی و آن هم این موضوعات را انتخاب کردید؟**

من آن زمان متأهل بودم و ۲ تا هم بچه داشتم. ۲-۳ سال بود که شروع کرده بودم به کتاب نوشتن و آن موقع داشتم کتاب کلاه‌سبزها را می‌نوشتم. بعد مدام به همسر می‌گفتم اینها را نمی‌شود فقط با کتاب به مردم فهماند، باید مستند ساخت. می‌گفتم من زمان نوجوانی عشق و علاقه زیادی به سینما داشتم که دنبال نشد. او گفت برو بخوان، برو شروع کن به یادگرفتن مستند. گفتم آخر با ۲ تا بچه؟ واقعاً امکانش نیست. گفت برو من حمایت می‌کنم و واقعاً با حمایت ایشان بود که من خیلی فشرده توانستم کلاس‌ها را بروم. خیلی سخت بود؛ بچه‌ام کوچک بود بعد می‌رفتم در کلاس‌هایی که همه نهایت ۲۰-۲۵ سالشان بود، ولی الان که به آن دوران نگاه می‌کنم به خودم می‌گویم دست مریزاد! ۲ تا بچه داشتی و هیچ وقت کم نیاوردی، نگفتی که وای اینها چقدر جوان هستند و من چقدر عقب هستم. ولی مردم خیلی‌ها تعجب می‌کنند که من متأهل

”

ما خانم‌ها مثل کشورهای دیگر نمی‌توانیم وارد حوزه نظامی‌گری بشویم. نمی‌توانیم خلبان جنگنده یا تکاور بشویم و من این حس را در کنار آن علاقه و عشقی که به سینما داشتم، ترکیب کردم و وارد مستندسازی حوزه نیروهای مسلح شدم

